

### آدم فخر فروش، از آینده غافل است

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره های کوچک قرآن کریم، بخش اول سوره مبارک تکاثر را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «**أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ: حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ: كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ: ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ:** فزون طلبی [و تفاخر] شما را سرگرم کرد، تا آنجا که به زیارت مقبره‌ها رفتید، چنین نیست [که می‌پندارید] به زودی خواهید فهمید، باز چنین نیست [که می‌پندارید]، در آینده خواهید دانست.»

این سوره به زمانی اشاره می‌کند که میان دو قبیله بر سر تعداد نفرات، بحث و درگیری ایجاد شد، تاجایی که تصمیم گرفتند سرشماری کنند و بعد از زنده‌ها، به قبرستان رفتند تا آمار مردگان را نیز حساب کنند و ببینند تعداد افراد کدام قبیله بیشتر است.

«**آلهاکم**» از «لهو» و سرگرمی با امور جزئی و ناچیز می‌آید که انسان را از اهداف بلند بازمی‌دارد و این دو قبیله بر سر امور پیش پا افتاده بر یکدیگر فخرفروشی می‌کردند، اما فزون طلبی و فخرفروشی به دیگران، به واسطه زیاد داشتن هر چیزی که باشد، گناه بزرگی است و در قرآن به مصادیقی از آن اشاره شده است. فخرفروشی در شرک و چندخدایی، در غذا و طعام، در عمر و تعداد سال‌های زندگی، در مال و شمارش ثروت، در مسکن، در شهوت و مسائل جنسی که همه جزو موارد مذموم از نظر قرآن کریم است.

خداوند متعال در این سوره، عاقبت فخرفروشی را دیدن آتش دوزخ می‌داند؛ زیرا فخرفروشی، انسان را به کارهای بیهوده و عبث می‌کشاند و عامل غفلت از حساب و کتاب قیامت است و این بی‌توجهی به آینده، انسان را به انحراف از دین نیز می‌کشاند.

#### مشاوره

### اگر خدا همه چیز را می‌داند، پس چرا دعا کنیم؟

علیرضا وکیلی| خیلی از ما بعد از اینکه همه راه‌ها را رفتیم، سراغ دعا می‌رویم؛ وقتی پزشک جواب قطعی نداده، وقتی اختلاف خانوادگی به بن بست رسیده است یا وقتی دیگر کسی حرفمان را نمی‌فهمد. اما همان لحظه، یک سؤال هم در ذهنمان شکل می‌گیرد: اگر خدا از قبل همه چیز را می‌داند و از حال من باخبر است، پس دعا کردن چه فایده‌ای دارد؟ مگر قرار است چیزی را به خدا خبر بدهیم؟

این سؤال اگر بی پاسخ بماند، کم‌کم رابطه انسان با دعا را کم‌رنگ می‌کند. دعا را به یک عادت تشریفاتی تبدیل می‌کند؛ کاری که انجام می‌دهیم، اما انتظار اثر واقعی از آن نداریم.

حقیقت این است که دعا برای آگاه کردن خدا نیست؛ خداوند پیش از آنکه بر زبان بیاوریم، از نیازها و نگرانی‌های ما آگاه است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ذَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ.» (بقره/۱۸۶)، دقت کنید، خداوند نمی‌فرماید فقط خواسته‌هایتان را بگویند، بلکه از «خواندن» و ارتباط سخن می‌گوید. دعا، پیش از آنکه تغییری در بیرون ایجاد کند، تغییری در درون انسان به وجود می‌آورد. وقتی با خدا حرف می‌زنیم، اضطراب‌هایمان نام پیدا می‌کنند، ذهن آشفته آرام‌تر می‌شود و احساس تنهایی کاهش می‌یابد. روان‌شناسان نیز معتقدند بیان کردن احساسات، فشار روانی را کم می‌کند. اما مناجات یک تفاوت مهم دارد؛ شما درد دلتان را با کسی درمیان می‌گذارید که هم شنونده‌ای مهربان است و هم می‌تواند مسیر زندگی را دگرگون کند. همین باور، امید را زنده نگه می‌دارد و قدرت تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد.

ببیایم از این به بعد، دعا را فقط به زمان بحران محدود نکنیم. هر روز چند دقیقه، بدون متن‌های پیچیده، با زبان خودمان با خدا حرف بزنیم. قبل از اینکه خواسته‌هایمان را بگوئیم، از حال دلمان بگوئیم؛ از ترس‌ها، خستگی‌ها و نگرانی‌هایمان.

بعد از هر دعا، از خودمان بپرسیم: «خدا یا! امروز سهم من برای حل این مسئله چیست؟ اگر باید عذرخواهی کنیم، قدم اول را برداریم؛ اگر باید مشورت بگیریم، آن را به تأخیر نیندازیم؛ اگر لازم است به پزشک یا مشاور مراجعه کنیم، این کار را بکنیم.

دعا، جای تلاش را نمی‌گیرد، بلکه دل را از ناامیدی نجات می‌دهد تا انسان بتواند درست، فکر و درست عمل کند. شاید بزرگ‌ترین اثر دعا، این نباشد که همه اتفاقات زندگی تغییر کند، بلکه این باشد که خود ما، با قلبی آرام‌تر و امیدوی بیشتر، توان ادامه دادن و ساختن فردایمان را به دست بیاوریم.

#### زیارت

#### زیارت: هزینه‌ای که سرمایه می‌شود

حسین ابراهیمی| یکی از پرسش‌هایی که گاه درباره زیارت مطرح می‌شود، این است که چرا انسان به جای خرج کردن برای سفر به مشهد، کربلا، مدینه یا دیگر اماکن مقدس، همان هزینه را در داخل کشور صرف نکند؛ مثلاً بیمارستانی نسازد، مدرسه‌ای بنانکند یا به نیازمندان کمک‌نرساند؟ شهید مطهری در پاسخ به این نگاه، یادآوری می‌کند که چنین سخنی، زیارت را صرفاً از دریچه پول و خرج مادی می‌بیند، درحالی‌که حقیقت زیارت، فراتر از یک هزینه ظاهری است.

زیارت، به‌ویژه زیارت پیامبر اکرم (ص) و امام حسین (ع)، سفری برای زنده شدن روح است. انسان در این مسیر فقط مکان را عوض نمی‌کند، بلکه حال‌وهوای درونی خود را نیز دگرگون می‌سازد. درکنار حرم اهل بیت (ع)، محبت، معرفت، شوق و نیرویی معنوی در دل انسان پدید می‌آید که او را از رکود و بی‌حسی بیرون می‌برد. کسی که با قلبی سراسر از عشق به علی بن ابیطالب (ع) و یا حسین بن علی (ع) به دیار خود بازمی‌گردد، دیگر آن انسان پیشین نیست.

مطهری تأکید می‌کند که این تحول روحی، خود سرچشمه عمل است. انسانی که روحش زنده شده باشد، به خیر و خدمت نیز گرایش پیدا می‌کند. او با نیروی تازه‌ای که از زیارت گرفته است، می‌تواند نه فقط یک کار خیر بلکه کارهای بزرگ‌تر انجام دهد؛ نه فقط یک بیمارستان، بلکه ده‌ها بیمارستان، نه فقط یک مدرسه، بلکه مجموعه‌ای از خدمات اجتماعی را پدید آورد. از همین‌رو زیارت را نباید در برابر خدمت اجتماعی قرار داد، بلکه باید آن را مقدمه‌ای برای خدمت بیشتر دانست.

درمقابل، کسانی که سرمایه خود را در سفرهای عیاشانه و مصرف‌گراییانه در پاریس و لندن و سوئیس و آمریکا خرج می‌کنند، غالباً نه تنها سود معنوی نمی‌برند، بلکه با روحی آلوده‌تر و بی‌تفاوت‌تر بازمی‌گردند. چنین افرادی ممکن است در برابر رنج مردم، فقر کودکان یا کمبودهای جامعه، فقط بگویند به من چه.

پس زیارت، اگر درست فهمیده شود، هزینه‌ای بی‌ثمر نیست؛ سرمایه‌گذاری بر جان انسان است. این سفر، دل را بیدار می‌کند، عشق را می‌افزاید و انسان را برای کار خدمت و ساختن جامعه آماده‌تر می‌سازد. در نگاه شهید مطهری، زیارت نه رقیب آبادانی، بلکه ریشه بسیاری از آبادانی‌هاست.



جلوه‌های روح‌بخش عبودیت در سیره امام دوم شیعیان در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی قمی

# مثل امام حسن مجتبی (ع) بندگی کنیم

**آمنه مستقیمي**<sup>(۱)</sup> از جلوه‌های مظلومیت امام حسن مجتبی (ع) درکنار غربت مزار و نداشتن مرقد و زائر، پنهان ماندن بخش بزرگی از خصایص و فضایل و سبک زندگی ایشان در سایه نرمش قهرمانانه و صلح با معاویه است. این درحالی است که سیره امام (ع) مملو از آموزه‌هایی است که الهام از آن‌ها و عملی کردنشان (حتی به قدر اندک)، می‌تواند زندگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی ما را متحول کند. از این‌رو به مناسبت فرارسیدن هفتم ماه صفر که بنابر روایتی، سالروز شهادت دومین امام شیعیان<sup>(۲)</sup> است، با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی قمی، خطیب مذهبی، به برخی آموزه‌های حیات بابرکت ایشان پرداخته‌ایم.

#### گفت‌وگو

#### عابدترین مردم

از وجوه بسیار زیبا و الهام‌بخش سیره امام حسن مجتبی (ع)، غلبه عبودیت و روح بندگی است. شیخ صدوق درامالی از امام صادق (ع) نقل کرده‌است که فرمودند: «امام حسن مجتبی (ع) عابدترین مردم در عصر و زمان خود بودند.» در ادامه، حضرت امام صادق (ع) به جلوه‌هایی از این عبودیت اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «كَانَ إِذَا خَفَّ خَجٌّ فَخَفَّ، بِعَنِيَّ» یعنی امام مجتبی (ع) پیاده به حج می‌رفتند و حتی گاهی پای برهنه مسیر را می‌پیمودند. «وَوُثِّقَا مَشْيَ خَافِيًّا»

#### ۴۰۰ کیلومتر را پیاده برای دیدار خدا می‌پیمود

امام صادق (ع) در ادامه حدیث می‌فرمایند: «نه اینکه مرکب نبوده باشد، بلکه حضرت دوست داشتند به این شیوه به زیارت خانه خدا مشرف شوند و هرکه ایشان را می‌دید، به احترام امام مجتبی (ع) پیاده می‌شد و او نیز مسیر را پیاده طی می‌کرد.» بنا بر نقل تاریخ، آن حضرت ۲۵ مرتبه پیاده به حج مشرف شدند. فاصله مدینه تا مکه حدود چهارصد کیلومتر است. امام حسن مجتبی (ع) با وجود آنکه محمل‌ها و مرکب‌ها در خدمتشان بود، با آن روحیه عبودیت، این سفر را پیاده می‌رفتند. بیاییم با نگاهی به این سیره و سعی در الگوگرفتن از آن، حداقل در واجبات خود کوتاهی نکنیم.

#### از امام حسن مجتبی (ع) کرامت را یاد بگیریم

امام (ع)، محرومان را تحت پوشش گرفته بودند و به‌طور پنهانی، این کار را انجام می‌دادند. این شیوه و کرامت حضرت برای امروز هم که برخی خانواده‌ها در محرومیت کامل به سر می‌برند و در بعضی سفره‌ها جز نان خالی پیدا نمی‌شود، بسیار گره‌گشاست و می‌تواند از آلام و مشکلات فقر و دردمندان کم کند. خوب است با اقتدا به امام حسن (ع) از اوراق سفره‌های خود کم کنیم تا سفره نیازمندان نیز قدری رونق بگیرد و همان‌طور که دوست داریم سفره‌های ما پرزرق باشد و برای مثال زن و فرزند ما در آرامش و آسایش باشند، کمک کنیم که ضعفای جامعه نیز بهره‌مند شوند.

#### از خوف خدا بیهوش می‌شد

امام مجتبی (ع) در اوج خشیت قرار داشتند و این روحیه را به شیوه‌های مختلف بروز می‌دادند؛ برای مثال وقتی به یاد مرگ می‌افتادند، گریه می‌کردند: «إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكِي»، یاد قبر می‌افتادند، گریه می‌کردند: «وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكِي»، یاد رستاخیز قیامت می‌افتادند، گریه می‌کردند. یاد عبور از صراط می‌افتادند، گریه می‌کردند و وقتی به یاد زمانی که باید در پیشگاه الهی بایستند می‌افتادند، از هوش می‌رفتند (امالی صدوق، ص ۱۷۸). نقل است هنگام وضو، رنگ چهره امام (ع) تغییر می‌کرد و وقتی از چربی این حال حضرت می‌پرسیدند، می‌فرمودند: «اگر بدانی در پیشگاه چه پروردگاری می‌ایستیم... باید این اضطراب و این خشوع در وجود ما باشد.»

#### حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی قمی:

**فاصله مدینه تا مکه حدود چهارصد کیلومتر است. امام حسن مجتبی (ع) با وجود آنکه محمل‌ها و مرکب‌ها در خدمتشان بود، با آن روحیه عبودیت، این سفر را پیاده می‌رفتند**

بخشندگی اصیل (کرم)، نیازمند آن است که ما از مرزهای «من» خود عبور کنیم.

امروز که به روایتی، روز شهادت امام حسن مجتبی (ع) است، اگر بخواهیم از سوگواری و غم و اندوه برای آن امام همام فراتر برویم، باید این نکته را از زندگی بابرکت ایشان بیاموزیم که چگونه می‌توان «کرم» بود؟ یعنی چگونه می‌توانیم در برخورد با دیگران، از موضع «دارنده» به موضع «بیونددهنده» درآییم؟ امام حسن (ع) با زندگی خود به همه ما نشان دادند که بخشندگی، بلندترین مرتبه ایستادگی در برابر دنیا طلبی است. ایشان با بخشیدن آنچه برای نفس انسان معمولی عزیز است، اعلام کردند که جهان مادی نمی‌تواند بر روح انسان حاکم شود. این همان معنای حقیقی «وصف کرم» است؛ کسی که چنان بر نفس خود مسلط می‌شود که حتی در لحظه از دست دادن دارایی، تنها چیزی که در او می‌بینیم، شکوه بخشندگی است، نه غم یک فقدان.

### کرامت؛ فراتر از بخشش

و بخشش آن‌ها توسط امام (ع)، نه در خود بخشش بلکه در آرامش بخشنده‌است.

در روایاتی آمده است که وقتی ایشان چیزی را به کسی می‌بخشیدند، گویی برای ایجاد پیوند با خلق می‌دانستند و آن را به جای مقصد، پلی برای رسیدن به سوی قلوب دیگران می‌دیدند. یکی از روایات مشهور درباره ایشان، تقسیم دارایی یا بخشش تمام دارایی‌شان در دو مرحله است. در منابع آمده است که آن حضرت دوبار دارایی خود را (که بسیار زیاد بود) به‌طور کامل به نیازمندان بخشیدند و فقط چیزی برای خود باقی گذاشتند که برای نیاز روزانه کفایت کند. (بهار الانوار علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۳۹)

و جدان خود، چیزی را می‌بخشیم. اما نکته دقیق و تأمل برانگیز در این تقسیم‌اموال



سیدحسین حسینی قمی

از طرف نیازمند، از خود عبور کند. به دیگر سخن، ماهیت کرامت امام حسن مجتبی (ع) در نوع نگرش ایشان به خود و مال، نهفته است؛ امام (ع) دارایی را ابزاری برای ایجاد پیوند با خلق می‌دانستند و آن را به جای مقصد، پلی برای رسیدن به سوی قلوب دیگران می‌دیدند. یکی از روایات مشهور درباره ایشان، تقسیم دارایی یا بخشش تمام دارایی‌شان در دو مرحله است. در منابع آمده است که آن حضرت دوبار دارایی خود را (که بسیار زیاد بود) به‌طور کامل به نیازمندان بخشیدند و فقط چیزی برای خود باقی گذاشتند که برای نیاز روزانه کفایت کند. (بهار الانوار علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۳۹)

نکته دقیق و تأمل برانگیز در این تقسیم‌اموال